

مانند توانستن بازمان لوده و لبرالی‌ای که رژیم‌نگار می‌برد و ترافد قدسی و کهنه لبرالها، ترافد کسومیسم، خلق، شوروی و راورد می‌گیرد، بچگونه مخالفت داشته باشیم. رژیم‌نگاران نیز همه در هر دو مکتب جامعه آزاد و سوزوواشی در انتخاب ریان خود آزادند و مانند هر فرد سوزوواشی که در عصر سوزوواشی قرار گرفت می‌تواند استقلال را بدون داشتن هیچ خطایی از مفهوم آنها بی‌روایت نکند. آنچه برای ما مهم است اینست که رژیم‌نگاران در اساس ما را کسومیست و عراق را "افاده سیاست‌دست‌ها امپریالیسم" و ایران را متخلفه ویا سوزووازی " یعنی جنگی که امپریالیست‌ها با تسلسل معرفی می‌کند و اعلام می‌کند: "بهنمن خاطر نیز هم مدانیلاسی بودن هر دو [دولت‌ها] در نظر سماع دراز نیست. و حتی آنسی نوده‌های احتمکن سوزوواشی طرفین تفاوت فراوان دارد". و علاوه بر رژیم‌نگاران در اینجا ایران را در دهه ما کسومیست مدانیلاسی کسومیست در مقابل ما شجاع ... اورا ما "رژیم جمهوری اسلامی همو می‌نماید".

قبل از شروع بحث خود ، آخرین فرموله‌های رژیم‌نگاران را درباره ما دست جنگ ، نیز رژیم جمهوری اسلامی و مانسی کاتنیک کسومیستیا ، که در مقاله "درباره جنگ و کسومیستیا" عرضه شده است ذکر می‌نمایم :

۱) "جنگ ایران و عراق صورت جنگی تجاوزی از جانب عراق و جنگی دفاعی از جانب ایران را بخود گرفته است. تجاوز ایران به معنی کره‌ای رژیم جمهوری اسلامی ، بلکه محضین و در اصل طرفین استقلال است. استقلال سیاسی ایران می‌باشد".

۲) "رژیم جمهوری اسلامی کره به دفاع از استقلال سیاسی ایران برخاسته ، اما سوزوواشی هرگز در پی دفاع از حکومت مدانیلاسی خود می‌باشد".

۳) "بسیج‌کنشی هر چند که عمدتاً توسط سوزوواشی مدانیلاسی هدایت می‌شود ، از حیثی صورت نمی‌گیرد". " جنگی نظامی در برابر تجاوز عراق و توطئه‌های امپریالیسم جنگی سر خود بود و در جهت منتهی ذات ایران بوجه امپریالیسم و سر نفع خودهای خلق می‌باشد ، جاکت مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از وابستگی‌های سیاسی امپریالیسم مدانیلاسی و در پیش‌برد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته ... " توده‌های مردم ما ... به پیروجه اجازده نخواهند داد که استقلال سیاسی شان مانند گذشته با توجه

اراده امپریالیستی گردد و آنرا سیاست تحت سلطنتی سیاسی دوباره احیا ، گردد". آنها در اصل به خاطر دفاع از حکومت ، بلکه برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برای جلوگیری از برپا رفتن آن مقدار استقلال که بواسطه تمام همین دست آورده بوده ، راهی خیره سرده ساختار و گردان عراقی شده". (تائیکه و شمارگذاری از ازمایشات)

آن مقدار استقلال که "توده‌های مردم ما" بواسطه تمام همین دست آورده بودند ، عبارتست از حکومت اسلامی جمعیتی و ترکان ، که سیاست "مدیت‌ها امپریالیسم" و راه پیش‌برده‌ها و یک رژیم امپریالیسم آمریکا و عراقی برای سرنگون کردن آن حکومت دست به شجاع زده‌اند و رژیم جمهوری اسلامی در برابر این تجاوز از آن مقدار استقلال سیاسی ایران دفاع می‌کند ، کسومیستیا سر موفدند که ما مد مستقل برای دفاع از استقلال سیاسی ایران خاطر مستقل از حکومت‌های وابسته و یا مدانیلاسی استقلال سیاسی که داریم به دفاع برخیزیم!

قدر لازم بود که رژیم‌نگاران اینقدر بیج و نامتوجه‌ها همان سوسیالیست‌ها ، اکثریت‌ها در شکران خود به معنی تمام درجه کلمه سوسیالیست کرده است ، در این صورت مطلق ، بی سوزوواشی کلماتی که به زور در دهان عمارت‌ها خوانده شده‌اند تا رنگ و بوی "حیا" آنها حفظ گردد بیان کند؟ "اکتوریته" بی هیچ زور و زسی در چند کلمه می‌گوید : دفاع از استقلال ، آزادی و استقلال ایران در لحظه حاضر یعنی دفاع از جمهوری اسلامی ! و اینها را همکاران ما را این مزیت‌ها و رژیم‌نگاران دارد که کارگران را تا بدین حد

به استقلال و آزادی می‌اندازد و با خودش رانه آمان بیخمانده‌ها راه کارگر با زحمت بسیار کمتری نظری را فرموده کرده است : "حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امپریالیسم و دست نیافته آن نیست ، بلکه حکومتی است مستقل ...". "خبر ما این جنگ رایج جنگ تجاوزگروانه از طرف عراق می‌باشد ... ؟ صفیاً سه این دلیل که جنگ عراق با حکومت اسلامی پیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد باطلی است ، زیرا اگر مردمی به این جنگ ، و از طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود ، ایران استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد". و نتیجه می‌گردد: "کسومیستیا باید در مقدمه مبارزه علیه تجاوز عراق و سندان آن باشد ...". هر چند عمده کردن مبارزه با ارتضاح داخلی در لحظه کسومیست انحراف از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به نصیحت مواضع مردم قادر بر این امر امپریالیسم منتهی می‌شود".

۱) راه کارگر ۲) برای دفاع از زمین (بهرحال ، بیج و ناب‌موردن های رژیم‌نگاران برای میان سرچ و ساده موقع خود شما به خاصیت‌های جنبش‌های رژیم‌نگاران بر سر می‌گردد و باقی‌اند از آنکه وارد بحث خواهی سوزوواشی رژیم‌نگاران گان شویم ، باید مورسی استدلالات سوزوواشی کسومیستی رانه سرانجام برسانیم . همانطور که از نقل قول‌های طولانی فوق برمی‌آید ، شما استقلال سوزوواشی کسومیستی رژیم‌نگاران ، راه کارگر و "کسومیست" درباره جنگ حاضر عبارتست از : ۱) حکومت خمینی و ترکان ، دولتی است "ناواواشی" ، "مستقل" ، "ملی" ، "یابدار استقلال ایران" و "فدا امپریالیست" ، ۲) امپریالیسم آمریکا برای سرنگون این دولت مستقل و "فدا امپریالیست" بوجه استقلال سیاسی ایران است دست به نیاج زده تا دولتی وابسته به خود را سرکار آورد. ۳) بیولتاریسم است ، که برای دفاع از استقلال سیاسی ایران در خدمت حکومت اسلامی ، با درازن‌ها و "هموسی" با آن با نسیا و ز امپریالیسمی مبارزه کند .

این به هیئت را با دور می‌گزیم که هرگاه ضرورت سوزوواشی کسومیستیا از دولت مستقل ناواواشی " سخن می‌گویند و در هیئت امر از ترکان خطب کسومیستی این دولت‌نظره می‌دهند ، سخن ایشان همه جا بر سر دولتهای سوزوواشی "ناواواشی" ، "مستقل" و "ملی" است . (خرده سوزوواشی هر که عبارت‌نااست حد ششده و شده‌ای آخذند جزئی از سوزوواشی است .) این "ناواواشی" و "استقلال" دولت سوزوواشی جمهوری اسلامی است که مورد تحسین آفتابسان سوزوواشی نوده‌ها می‌باشد . فردان را بر سر سوزوواشی آفتابسان شکلیت کارگران روشن می‌باشد ؛ با این دیگر آنچه ما باید بر سر روش ندن ما معنی این سوزوواشی در فرمیشناشی که به نسیا مارکسیسم درآمده‌اند و سخن ما ندن خود سوزوواشی را در فرمیش کارگری ایفا" می‌کند ، روشن می‌نماید این است که اولاً درمست سوزوواشی "مستقل" ، "ملی" و "ناواواشی" و "دولت کل استقلال سیاسی کشور برپا می‌آید ؛ این عبارت‌ناست سخن ما و "کسومیست" یا "امپریالیسم" ، تا ما "دولت سوزوواشی مستقل" شما باطل‌اند . ای سوزوواشی است و این مطالبه سوزوواشی - فرمیشناشی هر طریقی است برپا می‌آید ؛ اما ما مطالبه "دولت سوزوواشی مستقل" صوره در دستند فقط سوزوواشی کشور تحت سلطه ، بلکه دوست سوزوواشی خود متروک نیستند بخندان ایران سرکوب خردمان ، بلهشتن استثنای خدمت کرده و سوزوواشی در برابر ما با لور کامل منته عنوان این سرکوب‌ایدئولوژیستیک ... سیاسی جنبش کارگری و کسومیستی ایران خدمت می‌کند. و اینها ... جنگ کسومیست در نامه "استقلال ایران" ، بلکه در سی اجاد آن سیاست‌های لایم در مصوب سوزوواشی ایران می‌باشد که در این طقه را در انجام بیرون نهایی اش برای سرکوب‌کنشی استقلال ایران آماده و دیمیدرسایه . این سواره را متروک روشن می‌نمایم . این مجموع که دولت سوزوواشی مستقل و استقلال سیاسی کشور تحت سلطه هیچ نشانی و مدیتی با امپریالیسم ندارد ، و اینها به روش تریس وجه در "کاربگانه‌نوری از مارکسیسم" به یاد داشته است . کسومیست :

"تشیها کارکنان" : "کسومیسم امپریالیستی" ، یعنی



از یک مارکسیسم کاربکناورنده است که می‌توان آگاهانه برای مثال این پدیده خاص سیاست امپریالیستی را ندیده گرفت: از طرفی جنگ امپریالیستی حاضر، نمونه‌هایسی ارائه می‌دهد، که جزئی می‌توان از طریق تئوریموسدی برپیدای مالی و منابع اقتصادی، یک دولت کوچک را که از نظر سیاسی مستقل است به مبارزه میان قدرت‌های بزرگ کشاند (انگلیستان و پرتغال). و از طرف دیگر، تجاوز به دموکراسی ملت‌های کوچک و خدای ضعیف‌تر (چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی) با ماغت نیام (اپرند) و سیاست بی‌بوشن جنگ‌های کاملی به دشمن (چک‌ها) علیه «خان» امپریالیست‌شان می‌گردد. از هم اکنون، این امر نه تنها از نظر سرمایه‌های قابل تحقق است، بلکه گامی برای کارتل‌ها و ترواستها بخاطر سیاست امپریالیستی‌شان، برای جنگ امپریالیستی‌شان، و به خاطر اینک عملیات تئوریم «شان» به جلی نیافتد، می‌تواند به وسیله پیوسته بوده «تحقیق بافتنی» است. فراموش کردن علت ویژه مناسبات سیاسی و استراتژیک و تکرار و تکرار و بهیچای کلمه از تکرار «امپریالیسم» هیچ ربطی به مارکسیسم ندارد.» (تاکنه از ماست).

دولت‌گه مهم در نقل قول مذکور از سخن سسارستانو (۱) استلال سیاسی کشور تحت سلطه از نظر سرمایه مالی (با شریک با لیمیم - لیمیم در کارتل‌ها و سرمایه مالی راه می‌بموم کلی امپریالیستیک نگار می‌مرد) تحقیق بافتنی است. باید بدون فکر نشاندن «تفتنی» با امپریالیسم، به مفهوم مناسبات اقتصادی معین، بنادر (۲)، کاشی اوقات برای کارتل‌ها و غیره نظر و با لیمیم در دولت‌های آنها "استقلال سیاسی" یک کشور تحت سلطه، موجودند است. گنجینا توجه به نکته اول کافی است تا نام استقلال استقلال سوبیال - تا سوبیالیست‌های مارا که دولست، تا واریست و مستقل بیورواژی را با سبوتوان دولت امپریالیست، آادارای شده با امپریالیسم "بخود بیورواتاریا می‌دهد، سوبلا می‌مرد. استقلال سیاسی یک کشور تحت سلطه، معنی عدم وابستگی بیورواتاریا، حقوق و آاداری دولت‌های کشور به این یا آن دولت یا اتحادیه سیاسی امپریالیستی، فرما می‌مرد و نردن این دولت از دول امپریالیستی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سیاست‌های و روش‌های خود به حسی کارگری، کسبو-تفتنی و دموکراتیک کشور خود، طرح و اتخاذ مستقل سیاست‌هایش در رابطه با سایرین و معضلات مبارزه تفتنی در کشور خویش، آبا یا این سیاست‌های "مستقل" دولت‌ها باشند و غیر فرما می‌مرد از دول امپریالیستی ما امپریالیسم شده دارد " است. سیاست‌های این دولت مستقل، ضد امپریالیستی است؟ آبا این دولت سیاست‌های خود را "مستقل" از بازارها و ضروریات اقتصادی حرکت سرمایه در کشور تحت سلطه تعریف می‌نماید؟ آبا این دولت مستقل در دفاع و اتخاذ مناسبات سرمایه‌داری در کشور تحت سلطه به خود "ضد امپریالیستی" در قبال حسی کارگری و کمونیستی و در قبال دولت‌های بیین می‌گردد؟ بلکه آنچه آبا این دولت از بیورواژی مستقل و با واریست انکومومیم خود این اعتبار داشته دموکراتیک نیست؟

کجا درده از مناسبات متشکک حرب جنبوری اسلامی و سربو-دنی اثبات شده و مستند لیبرالینا فرمنظرت کنیم (چرا که این نکاسی تعمیم کننده در تحلیل ما ندارد) و از سوبیال سوبمیت های خنصریمه که تحت حسی و شرکا، کمونیستی بیورواژی و ارتخاط سیاسی مستقل و نا واریست است: کمونیستی است که از اجازت سبیلک ننگ، آاداری و حقوقی فرما می‌مرد از هیچک از دول یا اتحادیه های سیاسی امپریالیستی نمی‌باشد. سیاست‌های خود را در قبال صحن کارگری و کمونیستی و مناسبات دموکراتیک مردم بیخود رهمد و متاوره مثلا سبیا و سبیاگون، خود مستقلا تعریف نمی‌کند. میوه‌های بیخ‌سرد این سیاست‌ها را خود مستقلا و بی‌سودن دستور گرفتن از مشاورین این یا آن دولت امپریالیستی تعمیم می‌مزد، ما سورین اجرای این سیاست‌ها را، وروا "امرا" خود

را، بدون فرما می‌نماید از مغارتخانه این یا آن دولت امپریالیستی برمی‌گارد. و همین حکومت مستقل و با واریست سیاست‌های خود را دقیقاً در پاکتوایی به نیازها و ضروریات حرکت سرمایه در این مقطع مشخص، سیاست ارتجاعی بی سربوک جنب کارگری و کمونو-نستی، اجرای حقوق دموکراتیک مردم و با سوبیالیست‌ها واریست تمام تعریف کرده است. همین حکومت مستقل و با واریست است که شیوه‌های پیش بود این سیاست را شیوه‌های قهری تعمیم نموده است. همین حکومت مستقل و با واریست است که بدون دستور گرفتن، فرما می‌مرد از بازارها و نیازها واریست یک دولت امپریالیستی، مناسبت ترسین و اهل ترسین طرق ساسور، اوعاب، سرور و کسار را پیاده کرده است! کلاوه ای مستقل و ضد امپریالیستی، بی‌سودن فعالین جنبش کارگری! تروار را عدام مستقل و ضد امپریالیستی! فعالین جنبش کمونیستی! مستن مستقل و ضد امپریالیستی! بی‌سودن خانه‌ها! توقیف نا سبور مستقل و ضد امپریالیستی! بی‌سودن صنعت مستقل و ضد امپریالیستی! فعالیت سیاسی! بی‌سودن مستقل و ضد امپریالیستی! کشتار مستقل و ضد امپریالیستی! بی‌سودن ایستنی! بلن کرده! معماران مستقل و ضد امپریالیستی! بی‌سودن کردستان! و در یک کلام، نشانی مستقل و ضد امپریالیستی، سربان اخبار، تحکیم و اخترا و تیر و آرمی و امپریالیستی، این تمام آتسیری است که یک دولت بیورواژی را از استقلال سیاسی و بیورواژی کمترین وابستگی و دیپلماتیک، حقوقی و آاداری به دول امپریالیستی انجام داد و می‌دهد این استقلال سیاسی هیچ مناسبات و نهادهای ما امپریالیسم نداشته و در چهارچوب مناسبات جهانی امپریالیستی کلا تحت سلطه بافتنی است.

اما آنچه تحقیق بافتنی نیست استقلال سرمایه‌داری، در کشور تحت سلطه از سرمایه‌داری امپریالیستی جهانی است! تحقیق نمی‌تواند استقلال سرمایه‌داری کشور تحت سلطه، به مفهوم انت کسبه و دولت‌ها (علاوه بر امپریالیستی مناسبات کار و سرمایه) قابل تحقیق نمی‌باشد. و همین علت است که امپریالیستی مناسبات کار و سرمایه در کشور تحت سلطه است که تعمیم کننده است و چون رابطه سیاسی بیورواژی زی با بیورواتاریا، دولت بیورواتاریا و سیاست‌های بیورواژی می‌باشد، معنی وجود واریست این مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه، حتی در صورت تحقیق استقلال سیاسی کشور تحت سلطه، به معنی در شرایط عدم وابستگی سبیلک ننگ، حقوقی و آاداری دولت بیورواژی این کشور به دول امپریالیستی، بیورواژی و دولت و در قبال مبارزه بیورواژی و آاداری در قبال دموکراتیک دیگر اقشار مردم، ساسور از طرح و اتخاذ سیاست‌های واریست امپریالیستی است. تولد و باز تولید این مناسبات اقتصادی امپریالیستی لزوماً وریست سیاسی مناسبت خود را از سربو-تفتنی با تروست می‌نماید. جزرات سوبیال سوبمیت، مفاد همین سبیه‌مان از آثار دولت مستقل و نا واریست، بیورواژی که به نام بیورواتاریا و صحن می‌گردد باید نشان دهد که چنین دولت سربو-تفتنی بیورواتاریا علیه بیورواژی و سربا تصرف قدرت سیاسی چه جایش دارد؟ باید نشان دهد که دولت ملی مستقل و بیورواژی کدام سربو تفتنی بیورواژی حرکت بیورواتاریا را در سربو تفتنی و وسیع کرده های بیورواژی سربا سوبیالیسم را منقح می‌مزد؟ باید نشان دهد که دولت ملی و مستقل و با واریست بیورواژی چه مناسباتی در مطالعات بیورواتاریا دارد؟ مثل بیورواتاریا ایران آن نیست که آبا بیورواژی ایران مستقل تلاش را در دفاع از سربو-تفتنی امپریالیستی بیورواتاریا سازمان می‌دهد و با اینکه تحت سلطه بیورواژی یک کشور امپریالیستی؟ آنکه بیورواژی ایران چه مناسبات سیاسی منطقی با بیورواژی کشور امپریالیستی برای سربوک و برده‌گی او و تروار سازده معمل بیورواتاریا نیست، معمل بیورواتاریا درایست که چگونه می‌توان سربوک امپریالیستی (چه واریست و چه مستقل) را از بین برد؟ چگونه می‌توان در مناسبات امپریالیستی کار و سرمایه حرکت کرد؟ چگونه می‌توان به قدرت سیاسی نزدیک شد، قدرت سیاسی را، در کشور ما سبیلک و سوبیالیسم رابطه امپریالیستی کار و سرمایه را از میان برداشت؟

از آنچه در مورد عدم تحقق رشد دولت ملی و مستقل
 بیرونی با امیرالسلطنه گفتیم بخوبی پیدا شد که دولت بیرونی-
 شی مستقل هر مطالعات بیرونی را شمت و نمی تواند باشد تنها
 آن مطالعاتی و انشا دموکراتیک و واقعا بیرونی را شمت است که
 ناشر بر واحد خودش در سیاست سیاسی مستقل بیرونی وی-
 انشای باشد؛ مطالعات دموکراتیکی که پیش از این مساره
 بیرونی را برای صرف قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم، را
 فرام می یازد. این مطالعات به معنای رنگین ساختن بیرونی
 امیرالسلطنی است و نه تغییر شکل این فیور و ارتجاع به شکل
 "ملی" و وابسته و مستقل آن؛ و نه به معنای خرابی عالمین
 افراتر آن. دولت بیرونی مستقل وطنی که به معنای "تلفور
 فیور و ارتجاع امیرالسلطنی به شکل مستقل، ناوابسته و ملی"
 و یا عالمین اجرائی از نظر حقوقی و اداری ما وابسته و مستقل
 می باشد، صرفا احد نسبی است در سیاست سیاسی متقابل
 بیرونی کشور تحت سلطه و بیرونی کشور امیرالسلطنی. این
 احد تغییر در سیاست سیاسی متقابل بیرونی کشور تحت
 سلطه و بیرونی کشور سترویل، یا دولت مستقل وطنی، مطالعه
 ای لیمیاری، حریم امیرالتها و ویده اساسی نگل شده و حرمات
 تا بیرون از فرمیسی است. طرح دولت مستقل بیرونی بعضی از
 یک ساله بیرونی را "استقلال سیاسی نشن مژدی در پیش روی
 روند مبارزه طبقاتی اموزان دانش و مبارزه جهانی در جهت
 مایه امیرالسلطنه همو می باشد" (رهبران و رهبریات جنگ
 ...). یعنی جاذبه مطالعاتی بیرونی برای مطالعات دمو-
 کراتیک بیرونی را، این کار و این روش ماسیور و فرست هانسی
 که به نامی پارسیمس بر آمده؛ تا حدیکه کل جهان در ابدی شدن
 عالمین بیرونی درجهن کارگری و کمونیستی است. پروردگان،
 راه کارگر "اکثریت" با طرح "استقلال سیاسی اموزان" و
 رفاه مطالعه لیمیاری "دولت بیرونی مستقل" بعنوان مطالعه
 ای بیرونی را، این کارگران را در کف کوسی به انصراف ارمضاره
 انقلابی علیه حکومت جمهوری اسلامی و به دفاع از این حکومت دعوت
 می کند.

توجه به این امر که چگونه مطالعه لیمیاری "دولت
 مستقل ملی" در عین حال بعنوان ابزاری در دست بیرونی کشور
 امیرالسلطنی برای سرکوب بیرونی را برای انقلابی و جهان برولتری
 انشای خدمت می کند. معنی حضرت ابوالحسن خوسین بیاضی را در این
 نقش عامل نهاده بیرونی درجهن کارگری ستی از پیش روی
 بیرونی، "کنند دوم" در نقل قول مفکور از "کارگران تو" کنین
 حاجی ای بود که "استقلال سیاسی" کشور تحت سلطه کاسی
 اوقات برای کارگری ها و سران دولت های آنها از نقطه نظرس
 سیاست امیرالسلطنه یک نام **هریجا سویند** است. کنین هیچ کس در
 کتابش کمیسون مابور مسائل ملی و ستمدنیتی، که گرانتر
 تا بیرون از کمونیستی "۱۹۴۰ به سخن دیگر به همین معنای اشاره
 کرده و می نویسد: "بیرونی" امیرالسلطنی با نام قوا می گویند
 جهن فرمیسی را در مطالعاتی های سجدگی در جای کمیسور سارده
 سیراتیکی می کند "اعیان کمونیست، فلذ در موارث از جهن
 آزادی بیخ بیرونی در کشورهای ستمدنه پایه پیشینیای کنیم
 و پیشینیای کنیم که این جنبی ها واقعا انقلابی هستند،
 و شی که نباید بتکا آنها مانع ما می خواهد شد تا ما همانا و نهاده
 های وسیع اعتماد شو. هگان را با روحیه انقلابی شریعت و مستقل
 می بایستیم. چرا که این تراثی هم درجه دناشت ازوت کمونیستی
 باشد در این کشور ها **بیرونی** بیرونی در فرمیست که **هریجان**
 امیرالسلطنه دوم نیز به این شعلق دارند، مبارزه کنند."

کنین و کمیسون کمونیستی را از ترک در جهن فضای
 و حاجی بیخ بیرونی، جهن فضای که خواستار استقلال سیاسی
 و سیکل دولت مستقل ملی می باشد، آن هشتم که سانیکنان
 ما بیرونال و فرقهیت آنها با هم فعالیت کمونیستی مادی پرورش
 یوده با روحیه انقلابی کرده بهره داند و ولفه کمونیستی
 ما مبارزه با رهبران تا بیرونال در فرمیست جنبی می یازد. و از یاد
 برسد که این روشند انضبی در فعالیت فعالیت کمونیستی در کشور
 جای "متمدنه" و یا کثرت برای تحت سلطه ای بوده است در آنجا

سیاست تولید سرمایه داره مستقر شده ولذا جنبی کارگری
 نیز در این جنبی ها نمی تواند به مفهوم دقیق آن وجود داشته
 باشد. برای کشورهای سرمایه داری محتاطانه که در این کشورها
 بیرونی را ولذا جنبی کارگری وجود دارد و ستون فقرات و سروری
 محرکه اصلی جهن انقلابی را تشکیل می دهد، اهمیت عمده ای
 رهنمود نسبی می تواند می یازد. بیرونال و کنین و کمونسون
 شامایه این طبقت توجه دارند که برای کارگری ها و تراثی ها
 و دولت های آنان از نقطه نظر سیاست امیرالسلطنی شان، و نهاده
 حیات و استفاده از تا بیرونال - فرمیست علیه کمونیسم و
 استفاده از جریان تا بیرونال و فرمیستی علیه جریان برولتری
 انقلابی و حیات و استفاده از مطالعات بیرونی کشور تحت سلطه
 برای تشکیل دولت مستقل در خدمت سرکوب جریان عمیق انقلابی
 بیرونی را **هریجا سویند** می باشد، مادر نگاه "دولت جدید
 انقلاب بیرونی امیرالسلطنی" در مورد جوگی استیلا سیاست
 امیرالسلطنی و نیز تاکتیک امیرالسلطنه آمریکا با حرکت سیاست
 های رهبری تا بیرونال - فرمیستی جنبی انقلابی علیه سلطنت
 (هر دو جناح لیمیاری و فرقه بیرونی مذهبی آن که دولست
 بیرونی تا وابسته کنونی از دل آن برخاسته | در قیبال
 انقلاب ایران و تدایم آن و استفاده از آن در خدمت سرکوب این
 انقلاب به تفصیل سخن گفته ایم. در آنجا ما نشان داده ایم که
 چگونه پس از آنکه این رهبری تا بیرونال - فرمیست در زمینه
 حرمات فایم حکومت مستقل را می یازد خود را مستقر می یازد
 امکان را فراهم می آورد که سیاست امیرالسلطنی در سرکوب انقلاب
 سیاست کمونیسم، سرکوب جنبی کارگری و کمونیستی، و اساسی
 دموکراسی و نابود کردن سایرورهای دموکراتیک تمام در افرانگل
 و شیوه های نوینی و در لفافه سیاست مستقل "فدا امیرالسلطنی"
 به بین برده شود. "حرمات تا بیرونال و نویسنده های که دفع این
 حکومت را بعنوان حکومتی مستقل ما وابسته، "فدا امیرالسلطنی
 را از آنجا تا امیرالسلطنی "کشت می یازد و کشت می یازد که
 کشور هم بلا اختیار بقارت آمریکا رایش از آنکه سوزسته
 دانستیم در مطالعه اموزان به جمهوری اسلامی اعتقاد کرده
 است که حرکت امیرالسلطنی را با اقداماتی یوده کجیت مبارک
 دیده بود، بعنوان گرامات "فدا امیرالسلطنی" این حکومت
 بخورد کارگران می دهد، تا خود سوزده اند که برای بیرونی
 انشای و امیرالسلطنه آمریکا سیر "از نقطه نظر سیاست امیرالسلطنی
 یکنان **هریجا سویند** می باشد؟"

پس وقتی ما در آنجا از جویسلا نویسنده ما بعنوان
 ندای بیرونی صحبت می کنیم، شاید این شیوه می باشد که
 آنها مثلا عالمین ندای یک شتر از بیرونی، یعنی عالمین
 ندای بیرونی امیرالتها است که مطالعه دولت مستقل و ناوابسته
 بیرونی را اجتناب مطالعه تا دموکراتیک بیرونال را می یازد
 ما مطالعات رهبری انثار در خدمت بیرونی از آن شکله که
 سیرال سلطه از وسیله های مادی بیرونال می یازد که در خدمت
 کل بیرونی بعنوان ابزاری در خدمت فرمیست بیرونی را
 موشر احمد، مابور و دیگر نیاده فرمیست سیرال سلطه
 بیرونی را بیرونی را داریک کشور عمیق و در یک مطالعه مادی
 عمق ندای موشر و در خدمت مطالعه و تراثی ما بیرونی
 سیرال سلطه از وسیله های مادی بیرونال می یازد که در خدمت
 کل بیرونی بعنوان ابزاری در خدمت فرمیست بیرونی را

تخلقی ما با این استقلال سیاسی دولت مستقل بیرونی در کشور
 تحت سلطه سایر کشور و چون و چنان در رابطه سیاسی اند که کل
 بیرونی در آن کشور ما بیرونی را بیرونال و نه این امر
 توده زحمتکنان کشور، ستاره درجه رتبه مبارزه بیرونی را



تر اوسرای منطبق شدن باسیاست های مریخ بوروزاری انحصاری وتحول آن به حکومت مستقیم بوروزاری انحصاری ، با از لحاظ حقوقی ، اداری و عملی وابسته به بوروزاری انحصاری و آمریکا - لسم امریکا . و این نالی ، برای منطبق شدن عملا به معنای تشدید سیاست تفکوموسیسی ، سرکوت جنبش کارگری واحیای نام و تصمیم دستورالای از طرف حکومت است . و از طرف دیگر این جنگ که سه ذول رزمندگان از طرف حکومت نهایی هدایت میشود ، در صورت فراهم شدن روند بوروزاری اول جزئی که سوبال توپمنیتها به عنوان مشتعل بودهها منع می کند . به تقویت ارگان های سرکوت و اول به تکمیل و بازسازی ارتش ویا سازمان اووردیست ، سرکوت و اول به تکمیل شدن تدارک های ... نظامی او برای انجام یورش قضایی و دیپلماتی بر سرکوت استیالات میسر می گردد . این موضوع کسسه حکومت کوموسیسی به باه که عوطفی از سایندهای منصف بوروزاری انحصاری و امیریا لسم امریکا متحول باید . نه از عوائل گذشته های فارخی . بیان ، رفته های امیریا لسم " و نه از " رفته های ارتجاع متضاد " ، بلکه از مفاهت ، مسلمات اجتماعی و از مفاهت گذشته های مافی می بود که این حکومت سانیسی آرا بر مفاهت ترسفته است . این تحول ، یک تحول مجرد نیست ، ضروری است که کل مفاهت های ... شفافیتی گزینی برای بوروزاری متعرج ساخته شود ، باید به اهداف سیاسی این طبقه جامعه عمل بوشاند تا اقامان برین عمل توپمنیتها دفاع حواله حکومت تا وابسته اسلامی ویا کسسه بوده . مانند " هسوتی " ، " اتحاد " و ریسر بوخ اسپن حکومت و مسطوره طیو دهان بیروزی او در ایستگاه کتاری که سرکبد این است که با فراهم کردن اردن انگال و قووه های تکمیل برای بوروزاری بر ماسکوبیسی به اس میروند ، لحظه ، دلیل خارجی و حکومتی ظهور این تحول را تخمین می دهد . لکن در مفاهت اسیر سیاست خود در خدمت بوروزاری برای کاهش عوطفی که این ضرورت قرار گرفته و با محیط بوروزاری به رهبری بوروزاری انحصاری و امیریا لسم امریکا " هموزی " می گردی ، معنی واقعی و عوطفی سوبال توپمنیتها کتاری می باشد .

حال ، پس از بررسی جوهر مشترک اسلامالات ، سوبال توپمنیتها و دشمنان داین دشمنان ، به عنوان عاملی نمود بوروزاری در جنبش کارگری میروند که " بورومسها " و نهادهای رزمندگان است . این اکتریت " باه عسارت دفعی مفاهت سوبال توپمنیتها رزمندگان از حاصبت سوبال توپمنیتها " اکتریت " ، تحت مافی - بوروزاری به شرح این دادند که چگونه رزمندگان پس از فرمانده رزمندگان ۱۳ کوئید ، با حضور زاریر سیر کار راه بنیان سازد : سمرالده رزمندگان ۱۳ پس از توپمنیتها و در مشمول نام اختلافات " امریا لسم امریکا : کوئید " ، محالیت نظامی با صفت داخلی " ۲۰ " به طرح تاکنیک زاریر برای مفاهتها ، محالیت ، اصلاحی در مفاهت بوروزاری می رود :

" در صورت وقوع آنچه گفته شد که احتمال آن در حد بیست و اربعه پنجده هزاره نظامی کوموسیسی فرخ تر نشود و وظایف حکومتی و اختلافات و اختلافات ساز و مدار و تغییر در فرجه های ... در جنبش اجتماعی ضمنی است که آمای حمله کوموسیسیها و اختلافات در مرجه اول و معنای اساسی منصف سازمان نظامی و معنی تمام بر سر نهادن وابسته منصف بوروزاری لسمال و معنای امیریا لسم است . کوموسیسیها و اختلافات" پیون باید شناختند از نهاد عده بوروزاری حاکم سیاست امیریا لسم و نظام سیر داری و وابسته استیالات ، سوبه ، معنی در مورد منصف و در مرجه اول سوماه های وابسته ، و سوبه مرجه بوروزاری حاکم را که باین سوبه اختلافی است باقی خود دارد از استقلال خود بکشاید و وحدت امیریا لسم را و این معنی بسیار راه اساسی سوبه سوبه های و استقلال و اما باید توجه داشت که حلقه جنبش تاکنیک و سوبه های اسلامی از نهاد عده بوروزاری حاکم با امیریا لسم متمم سیر سوبه و استقامت و استقامت و در جنبش حلقه های وابسته اختلاف می باشد " (تا کنید از باه)

به خدمت گرفتن یکی از مطالبات عمومی دیوکراتیک بعنوان اولویت اول فربس سرکوت کارگران بوروزاری ساخته است . اما برای سوبال توپمنیتها یا دولت بوروزاری و تصمیمات ونگال این دولت سه ششم نمودن و رابطه مناسی کل بوروزاری با ایرلندیها ، بلکه توپمنیتها و رابطه سیاسی " دلوما " ، " مردم ما " و در یک کلام بوروزاری ما با امیریا لسم بعنوان شور و فربس بیرون می آید : با به بیان کلی بر جنبش چندین روزه سیاسی امیریا لسم در سوبه بوروزاری با یکدیگر است . اکنون که دیگر " بوروزاری ملی اسطوره شده است " (البته از نظر همراهان در فرهنگ لغت) آنان برای تندیسی حکومت تا وابسته اسلامی ، که تحقق همان آرزوی دیرینه دولت بوروزاری مستقل ملی است ، شوری " سرکوت ها کوموسیسی " ، " کاست " و فربس را عهده می کنند و لسمیت ترکیب تا کسسه را چنان رعایت می کنند که یکی از صفات و افکار " طبقی " ، " صمیمه طبقی " و " امیریا لسم " - و متعنا " عده بوروزاری شنی ملی دارای شفا با امیریا لسم " - دوران لسمت خبر داده اند تا مدتی به اعتبار محور این عنصر " امیریا لسم " در نتیجه حکومت و سیر این هر - موتی به این عنصر ، مذاکره میروند دولت بوروزاری مستقل تا نایل دفاع و توضیح باشد . این توضیحات تندیسی حکومت عوطفی و تفرکا ، بعنوان حکومت امیریا لسم در برخوردی است ، کتاری " سریل " به یاد شدن در مرفوع سوبال توپمنیتها سوبه " اکتریت " ، راه کار کوررو رزمندگان تا استفاده از جنبش " سریل " تفرکی است که به مرفوع سوبال توپمنیتها رسیده است . در نتیجه متذکر می شویم که بیگانه در این خاطر ، طبع آنجا توپمنیتها است به مرفوع اسطوری ، زودگی گردد که در فربس برای جنگ با دشمن شوری " امیریا لسم بودن " حکومت تا وابسته ، مرفوعی است از

استقلال حریات سوبال توپمنیتها در مورد جنگ تا وابسته و که امیریا لسم امریکا ، برای سرکوت دولت مستقل و سوماه و وابسته اسلامی ریسر کار و اردن حکومتی وابسته ، معنی به نامیم راه و سوبه در خدمت حکومت اسلامی از استقلال ایران دفاع می کند . ما " یوقا " نشان دادیم که اولاً " استقلال سیاسی ایران " و وابسته مستقل بوروزاری نشانده و معنای ما امیریا لسم ستاد " تا نشناختن دولت مستقل بوروزاری تماما مفاهت های بوروزاری است در این مفاهت ها بعنوان مفاهت های پرولتاریایی یعنی اسطوری ، در مقابل عوطف بوروزاری نشانده و معنای ما امیریا لسم ستاد " تا نشناختن دولت در شرایط انقلاب ایران در دست کل بوروزاری ، و سوبال بوروزاری فربس و سرکوت کارگران و مرفان انقلابی شوری عمل کرده و می کند . اما مضمین کامل مرفوع سوبال توپمنیتها در از استقلال ایران در کنار حکومت تا وابسته اسلامی بگونه در خدمت سیاست بوروزاری به رهبری بوروزاری انحصاری و امیریا لسم امریکا خدمت کرده - و با اگر رزمندگان نخواهد با این سیاست " هموزی " -

سوبال توپمنیتها در برخوردی جنگ اساسا سه ساله قدورت سیاسی از نقطه نظر بروسالیا را کنار گذاشته و معنی در آنکه پس بوروزاری " انتخاب " کنند . معنای دیگر این مرفوع کسسه چگونگی بروماری با سوماه های خود در استقلال ، سوماه های و که حاصل مرفوزاره وابسته کل بوروزاری سوبه در تریای کتاری کوموسیسی حلقه خود ، و مفاهت های تریای مفاهت های مفاهت های خود با مفاهت های سیر سوبه بوروزاری و سوبه قدرت سیاسی تلقیف می دهد . نتیجه خاطر سوبال توپمنیتها شوده منصف ، سلبه آسیا : این است که جنبه منصف سوماه سیاسی موجود در میان بوروزاری ، سوماه های که در خدمت واسکی و استقلال حقوقی ، اداری و دیپلماتیک حکومت کوموسیسی به بوروزاری امیریا لسمی خلوگر گویند ، محفوظ مانده و شمشیر میگرد ، رزمندگان تکرار می کنند رژیم جمهوری اسلامی در جهت درین دفاع از حکومت معادلتی خود می باشد . اما اکتر این را زمین دولت می کند که سوماه های خود مدست داده ، یعنی از مرفوزاری " رژیم جمهوری اسلامی از موجودیت خود دفاع نمی کند - در سوبه در دولت دادن سوبال توپمنیتها خود استفاده می کند و در نتیجه آن می بیند باین باین ندانده دفاع این حکومت از موجودیت خود یعنی ملتی شده



آنچنان که بپدید آرزو زندگان در ۵ خرداد ماه ۱۳۵۹ یعنی فروردین ماه پیش آمدگی رزمی خود برای اختلاف با حکومت (زیر لوای اختلاف ساختن از آن سه زیم رزمندگان خود رزمی بپوشید) در صورت بروز تحول و تحول بورژوازی اعلام می‌ارد. خود مرکب مانده تا به رزمندگان با حکومت جنگ شده که "اکثریت" مانعیت شهادت در آستان بورژوازی - یعنی کار ۵۹ را منتشر می‌آورد. رزمندگان از اینکه "اکثریت" معنی علمی موافق اورا نباشد هنگام به نمایندگی گذاشتن ویران ساخته ، سخت برمی‌خیزد. کار ۵۹ را "فوق درجستل" امروسیسم راست - (رزمندگان ۱۴) می‌ماند و به مصد تمام بنیاد می‌کشد سرتار از عمارت پرورایی جیب ، حاکی از اینکه درست است که این حکومت (جناح خرده بورژوازی آن) با نام رزمندگان "فشار" دارد ، اما شکر همین حکومت نیست که سرکوب می‌کند ، گنگشار نمی‌ماند ، پاسور برقرار کرده و ضابطه تفتاب برآورد انداخته است ؛ ویلا پلادرف رزمندگان ماهیت فقیه انقلاب را ورمی‌کنند و می‌گوید "اکثریت" ناکتسکی را انتخاب کرده است که هنوز شرایط آن نرسیده است . موضعش که این ترایه سرد اولا حکومت "دو پاره" خوانده شد ، بکیاره بورژوازی لیبرال و پاره دیگر خرده بورژوازی دارای "فشار" با امپریالیسم و مأموران حمله استقلال کامل خود ضمن تعقیب استراتژی خود ، ضمن کسب قدرت هر آنگاه که بتواند ، بطور موطنی و متحین و با پشتیبانی همین باس خود ، بورژوازی وارد اتحاد می‌گردد . اما از دیدم گفته اند " هر آنچه جوان پر آینه سیند ، بهیر درخت جام می‌کشد" . بورژوازی همواره خرده بورژوازاریا را با "واقع بینی" خود فرعون کرده است . برای رزمندگان لازم بود تا تحول رخ دهد تا اینکه ببیند که ... همانند گنگشار درون جناح حکومت ... خواستار جنبش کردن نوازندگان امپریالیسم بوده و در این امر می‌کوشد" (ما هم فرارده جنگ) و کسی که اکثریت از همان خرداد ماه این ساله وارد شده و می‌گوید " تریلیف کنونی جهت گیری عمده امپریالیسم اعمال فتنه‌های اریسمون است " (کار ۵۹) . رزمندگان با "کف مستقل" خود در آن اکثریت مشارکت می‌آورد ، اما قبل از برآختن به کف مستقل رزمندگان ، داستان سلوک رزمندگان به زیر پرچم "اکثریت" در همان کتیم .

رزمندگان شماره ۲۶ ، ۳ شهریور ۵۹ با باغله‌های تحت عنوان "دکترانیم و روبریونیم در برخورد به حاکمیت" ظاهر می‌گردد. این مقاله دوجا دارد ، جز اول تعدید و تحسینی از "اکثریت" است که علی رغم بسیاری از نیروهایی م. ل که در مورد ترکیب حاکمیت به دکامتی کشیده شده و فادامه به همین صمیم ترکیب هیات حاکمه وجود خود خرده بورژوازی جنبشی مرفه در حاکمیت نینداند ، اکثریت در مورد ترکیب حاکمیت متد - تحلیل شخصی را - البته به سبب قوت رزمندگان - ننگار شده . جز دوم مقاله به (جنبش بیژنی چه ؟) به بیچاره اکثریت داغ و روبریونیم می‌زند که اگر کسی توانسته ببیند که " این خرده بورژوازی که در خارج کیمب است چه موضعی در قبال انقلاب ایران دارد ؟ این خرده بورژوازی چگونه با مبارزه توده‌ها سرچشمه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم روسی می‌گردد ؟ این ارگان های خرده بورژوازی نام از پایداران ، کیمتنه‌ها ، نادان‌های انقلاب و غیره چیست ؟

می‌کند ؟ " رزمندگان به "اکثریت" می‌گوید : " شما می‌خواهید تنظیم کنید . می‌خواهد رابع به سئاله اساسی جنبشی قدرت نوازگی جنبشی بوسیله داربند طبیبی پرورده کنید . می‌خواهید است بسازید و در بیابان ترکیب هیات حاکمه در دستور خفتا که نباید به این جواب داد زمین سرفشارید " (ناکند از رزمندگان است) . لازم نیست که برای فهمیدن رابطه " ترکیب " و " ماهیت " در خود رزمندگان بخود در نظر بیاید . رزمندگان برای پاسخ به سئالاتی که فوقا درمقاله "اکثریت" گذاشته بود کارنامه ۶ ماهه " جناح خرده بورژوازی جنبشی مرفه " را رومی‌کنند . کارنامه های سپاه ، سرتار از قتل ، گنگشار ، پاسور و دشمنی با دولت کراسی ، و از گواهاست تمام این امر ناکتسکی را خرد کسب

ترس است " . رزمندگان با مشاهده کارنامه می‌گوید این است ماهیت حکومت ، ماهیت خرده بورژوازی جنبشی ، ماهیتی ضد انقلابی ! ماهیت در نظر رزمندگان یعنی همان بورژوازی ! رزمندگان بر میانی شاهده این " بورژوازی " با " اکثریت " موریدی می‌کند ؛ در انجمن اختلافی درامتل فقیه ، یعنی در تحلیل لطیفاتی برای شکوری " کیمب شده امپریالیسم " حکومت " است و اسنمه غمخنی و سرتکار در میان نا شد .

بیدین گونه ، اختلاف و " رزمندی " رزمندگان و " اکثریت " نه رزمندی و اختلافی قضائی ، اختلافی در زمین سیاست و منشی ناکتسکی آنان در برخورد به اختلاف و نیز در برخورد به حکومت بلکه اختلافی در چگونگی اتخاذ یک سیاست و تاکتیک . واحد است . " چنان وضعی " هم که رزمندگان ۳۳ پیش بینی کرده بود و جنبی ناکتسکی خود را در قبال آن طرح ساخته بود در شکل جنگ کنونی رخ می‌داد و رزمندگان سمر همان تاکتیک اکثریت را می‌کشد ؛ واحد بود داشتن رزمندی در چگونگی اتخاذ آن ، انتخاب می‌کند اما دکتر اکونور برای کسی چندان مشکل نیست که یکی می‌سوسد تا کتسکی رزمندگان و " اکثریت " را با شما شده این شکل سوسیالیست شویشی آن در بانه رزمندگان باره تلالی می‌افتد (سرفخاله خوانده شد ، ۲۳ ، ۲۱) که حضور آنگار شده اش رادریز بیروق کار ۵۹ می‌بماند زوده‌حدها مبادرت به " موریدی " می‌ماند ؛ اینار نیز رزمندگان همان سولائی که ما را به شما نگاه مدغم نظرسوا حواله می‌دهد ، مطرح می‌آورد . " با اینست خاکمه که امپروورها (سپهرا امپرونیستیا) از قیضات و سیرات جنگ می‌کوسدو آنرا تدبیر می‌کند ، سینه خاطر این " جنگ مقدس " خود با هیئت حاکمه عراق ، " جنگ مقدس " بر علیه خلق ایران و جنبش سوسیالیست و راترگ کرده است ؟ یا نه ؟ یعنی به این سئالات است که امپرونیست های او را که امروز سر بر خفته به مقادفه از جنگ خاطر جنوری انقلابی می‌گوید ما می‌کند !

رزمندگان مجدداً برای " سیمان " ساختن امپرونیستیا - کارنامه شاه حکومتی می‌کشاید ؛ آغاز جنگ با سمسور هراه است ؛ تکیه بکنسیر علمه جانی کرد ، همراه اسبیا خلفه کرد ، و شبانه و صابور تحریکات ، تعقیبه مملغان ، مسلح دستگیری انقلابیون در بیره‌های تکت حکومت شده بتلای مرفا ششم شهر و نگره ادامه همین کجاست ، در هوستان به مستیاد مشترک رزمندگان کمونیست منصف می‌نمود . در اهرار و چمران جدید خلق مورد تحسین واقع می‌گردد و سعطیل می‌شود ، در همه جسا کوکشتن پس رابع به کمونیست بودن تا منبع سلاح و دستگیری آتنان به پیش می‌رورد و ... الخ .

رزمندگان بر اساس این نهادها و عوامل حاصل از آن می‌کنند حضور آنگار شده اش را از سیر " اکثریت " پیمان ماود . " اکثریت " اکونور آنگار و " سر خفاشه " به نفع از جنگ به طارجمه هسوری انقلابی جنبشی می‌کند ، و با رزمندگان سر بر خفته به مقادفه جنگ نه بخاطر جمهوری اسطی بلکنه برای " دفاع از توده‌های مردم " ، انقلاب و استقلال ایران " جنبشی می‌گوید ، اما رزمندگان علی رغم تمایز در خفاشه در عقل به دفاع از جمهوری اسلامی می‌رسد که " اکثریت " نیز در عمل حرامین نکند ؛

رزمندگان می‌سوسند ؛ " دفاع از توده‌های مردم " استقلال و استقلال ایران در قبال تجاوز عراق سیاست مارکسیست است که می‌ماند در مقام سیاست جینی دنبال گردد " (سینه شماره ۱) اما توده‌های مردم خود " ما جنگ و دستار و رانداری غلبیم به دفاع از استقلال و استقلال خود خواست برداشت ، و راه و استر با رکت ، امپریالیسم و انقلاب مغلوب خواهد شد . سست ... توده‌های سیرمان ایران حرکت اجازه می‌دهد که امپریالیست‌ها از مبارزه انقلابی تا بی‌بصره رژیم جنوری اسلامی سرتار بردارند " " دستسند " (میانی شماره ۲) . رزمندگان به سر خفاشه به دفاع از توده های مردم این می‌کند ، اگر در عمل نخواهد شای زاندا رومی‌کشد و برایم آسان بازی کند ، جنبش سیدوان یک جریان سیاسی نباشد از خواستها و مطالبات و منافع بوده ها " دفاع " سایه وان مملانی

که از درجک برای توده‌ها برمی‌شرد و توده‌ها را به یک ایدئولوژی متفق و سازمان یافتن در جهت برای دفاع از این منافع ضعیف می‌گردد عبارتست از: "استقلال سیاسی ایران" و "آزاد شدن نه اینک امپریالیستها از مبارزه توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی بلکه بر مبنای سیاست" و دفاع از استقلال سیاسی ایران و آزادی دادن به امپریالیستها در برابری از مبارزه توده‌ها علیه جمهوری اسلامی در دفاع از جمهوری اسلامی چه سیاسی و غیر سیاسی می‌تواند باشد؟

چنین مفاد عمده‌ای از رژیم جمهوری اسلامی تمام آن است. که مارکسیستی (یعنی سوسیالیستی) است که هدف منطقی آن در زندگی تولید و توزیع ثروت است. این هدف منطقی که در زندگی در میان مایل است اما هدف منطقی که کمونیستها بگذارند، در حقیقت امر عبارتست از دفاع از منافع بیرونی در درون جنبش کارگری و کمونیستی.

کسی که بخواهد کمونیست باقی بماند و به وظایف کمونیستی خود عمل کند باید برای کارگران روستا که در سوزواری یک طبقه واحد است و یک سیاست واحد دارد. باید برای کارگران روستا که از نظر مختلف سوزواری و سیاست‌ها با یکدیگر متفاوتند و یک سیاست واحد را در شکل و شیوه‌های کامیون "مستقل" تولید و توزیع می‌تواند. بنابر این سیاست را در شکل و شیوه‌های تولید و توزیع می‌تواند. در هر جزئی از این در شکل و شیوه‌ها، در شکل و شیوه‌های خود و در شکل و شیوه‌های خود.

با کمونیستها باید کارگران را از سیاست بیرون بکشیم. سیاست سوزواری در شکل منوع در زندگی کارگران سیاسی و اشتراکات و آگاه سازیم. باید به کارگران سیاسی و اشتراکات یک سیاست واحد سوزواری است که در این طبقه و سیاست‌ها با سیاست‌ها در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است. باید به کارگران سیاسی و اشتراکات یک سیاست واحد سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

استفاده کنند و در هر یک از این است که آگاهی کمونیستی کارگران و اشتراکات را تغییر می‌دهد. سیاست در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

ما باید به کارگران سیاسی و اشتراکات یک سیاست واحد سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

و سیاست‌ها و سیاست‌ها سوزواری و اشتراکات یک سیاست واحد سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

منافع سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

منافع سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

منافع سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

منافع سوزواری در هر یک با آن مانده است و باید به منظور شده است.

مورد اول است (جنسیت کمیونیتی ما که از دل ناسونا لیمز ندره
بورژوازی و مبارزه دموکراتیک ملی بیخاسته است تا گرویدار طبقین
خود نطفه های هر سه جریان عمده بورژوازی - لیبرال ، خرده بورژوازی
دموکرات و اکثالیان پرولتری را حمل کرده و همپروازانه اهمیت
واقعی هر تحول سیاسی برای جنبش کمیونیتی در این است که امکان
می یابد ، و باید ، که در مبارزه با جریان تاریک که عمده متغوی لیبرال
النی و خرده بورژوازی نظرات بر ما و بناگشایان در مزارعها ،
موسکبری و انگال و شیوه های فعالیت سیاسی شان آشکارا می گردد و
از طرف جنبش پرورده و ارتقا یابی را که نتوانسته است غیر مابغالی
خود را بر سر و تن بدهد و بنوری و تاگشیک مارکسیسم حفظ کند ،
در تعمیم نظراتشان با ما در دنیای این طریق به تشبیه برتا همه
و تاگشیک کمیونیتی ، در چندین کارگری و دانش زنده کردن شمار
ها و شیوه های فعالیت انقلابی پرولتری و در یک کلام تحکیم و قدرت
باختن جریا انقلابی پرولتری بگوید .

اهمیت این تحول ، یعنی جنگ ایران و عراق از این لحاظ
در این است که با آشکار کردن محتوای لیبرالی نظرات بر ما می یابد
و تاگشیک رژیمتگان - و ایضا راه کارگر - باگتدانش برجسج
آنان به زور بر سر نامتدانت کاروا - که بین ایران با نامول به
را میگناییم و طبعی را با راه چپ حضورشان را بر این بر سر میدان
می ناخندند - خود یک جریان پرورده شده بورژوازی - لیبرالی را
در جنبش کمیونیتی به نمایش در آورده ، هر کس که نخواهد کمیونیتی
با نی ممانند و وفاداری نمود از راه آن بر نون انسانی ثابت کند ،
هر کمیتستی که به سرورده شدن خود علاقه مند است و واقعاً راه
حزب کمیونیتیست ما را به پیش در آورد ، هر کس که نخواهد کمیونیتی
جریان مومال - دولتستیست به آن "کمک" کند که از جنبش کمیونیتی
سستی بیرون رفته و در کنار " اکثریت" نظایان خود را برای تذکره
بن کردن "حزب توده" - که اکنون عنوان یک حزب سیاسی فرمال
و از فعالیت و پیشرفت بیشتر از پیش به یکدهمتر جاسوسی و دفتر مشاوره
و فعالیتی اینولوژیک - سیاسی برای جرات ان پرورده شده است
کاخش می یابد ، که از همه طرار و این مومال - لیبرال ایران
در خارج از جنبش کمیونیتی بگشای کند ، مایه سهم خود در جبهه
توان خود در این راه گوشه داریم و در این زمینه سخن درسیگری
داریم ، بارها و هواداران کمیونیتی رژیمتگان که جلب رادیو
لیزم گاد بپوشین این سازمان شده اند که بعداً مطرح خواهیم
کسرو .

۲۰ آبان ۵۹

این مقاله می نویسد : " این جنگ محل وزمان نمایش برج دیدگاه
های اساسی و متحولوزی جریانات مختلف کمیونیتی است که اغلب
درین ظاهر آراسته موانع روزمره پنهان بودند ... درسیاره
چنگ ... اگر اشاره به این مقاله برای "عمر نظام" "تالی
کردن دل حریف" و "زحوانی" باشد با یاد روشن کنیم که اهمیت
واقعی سیاسی تحول سریع " در چیست ؟

اهمیت واقعی سیاسی هر تحول سریع فرا واقع در پست کشه
با طرح دقیق و علمی بناغف اساسی طغفانی ، تنام و نظرات بر ما به
ای و تاگشیک جریانات مختلف را ، در گونگی ارتقا یابی کد ارتقا یابی
نویس بدت می دهند و شمارها شیوه ها و انگال فعالیت سیاسی که طرح
و انبساط می یابند ، از نقطه نظر انگیانی این نظرات بر ما انبساط
اساسی طبقات اصلی جامعه عملاً یک زده و نه فضا و در پشته
بریا به این تحولت سریع و از طریق آشکار شدن محتوای فعالیت
نظرات بر ما می یابد و تاگشیک جریانات مختلف و مبارزه بین آنان
است که جامعه از لحاظ گروه بندیهای اینولوژیک - سیاسی هم
چه بیشتر به تشکیک و منشا بر نودن به جریان عمده طبقاتی یعنی
جریان بورژوازی - لیبرال ، خرده بورژوازی - دموکرات و جریان انقلاب
بنی پرولتری منتسب به سه طبقه اصلی نزدیک تر می گردد ، مد نفی
های میا یعنی ، جریانات بنیانی یعنی و نظرات بر ما می یابد "ماوا"
طبقاتی " هر چه بیشتر زوال بافته و سیروهای واقعی مکان خود
را در یکی از سه جریان عمده با می یابد ، اهمیت این مونسوج
از دو لحاظ برای کشور ما پرورده می گردد ، اول آنکه کلیه
طبقات مردم ایران هنگامی قدم در مزارع انقلابی گذاشتند و
هنگامی وارد کارزار بیگانه های استعماری شدند که هیچک از
کشتربین ندارک بر ما می یابد و تاگشیک برای انقلاب (کمترستی
ندارک اینولوژیک - سیاسی و شمارها ، شیوه ها و انگال وسیع مبارزه
سیاسی آزمووده تشبیه شده پرورده و سوخته ، امک درین شرایط
انقلابی و دواوم آن کشته طبقات مردم ایران هم مبارزه عطفی
و سیاسی ندارک بر ما می یابد و تاگشیک خود را نیز انجام داده بود
خانه سیاسی خود را آماده ساخته و جایهای مختلف ، شمارهای
مختلف و انگال و شیوه های مختلف را در عمل می آزمایند ، در چنین
وضعیت عمومی طبقاتی هر تحول سریع و هر چه بیخ برانی باقیست
مختلف در روشن ساختن ، شما بوشتگشیک نمودن طرف طبقاتیست
اهمیت مد پنهان می یابد ، دوم آنکه (که جنبه دیگری از همان

رفقا!

جهت تداوم و گسترش
فعالیت های خود به کمک
های مالی شما نیازمندیم.



را بخوانید!
و در تکثیر و پخش آن
ماریاری کنید